

## بشارات پیامبران به موعود و شریعتی جهانی

اما وجه مشترکی که بین جمیع پیامبران وجود دارد این است که کل وعده و بشارت به ظهور موعودی جهانی داده اند که عدالت و سعادت را در بین همه اهل عالم برقرار نماید و صلح و سازش و رفاه و آسایش برای مردم فراهم کند. حضرت موسی در سفر تنبیه (۱) چنین بشارت داده است:

" و این است برکتی که موسی مرد خدا قبل از وفاتش به بنی اسرائیل برکت داده گفت: " یهوه از سینا آمد و از سعیر بر ایشان طلوع نمود و از جبل فاران درخشان گردید و با کروهای مقدسین آمد و از دست راست او برای ایشان شریعت آتشین (۲) پدید آمد"

آمدن از سینا اشاره به خود حضرت موسی است و از سعیر حضرت مسیح و از فاران حضرت محمد و با کروهای مقدسین و شریعت آتشین ظهور حضرت بهاء الله است و مقصود از آمدن یهوه مظهر ظهور الهی و فرستاده خداست. ظهور حضرت باب و حضرت بهاء الله ظهور واحد است و اشعیای نبی چنین بشارت داده است:

" در ایام آخر واقع خواهد شد که کوه خانه خداوند بر قله کوه ها ثابت خواهد شد و فوق تل ها برافراشته خواهد گردید و جمیع امت ها به سوی آن روان خواهند شد و قوم های بسیار عزیمت کرده خواهند گفت: بیائید تا به کوه خداوند و به خانه خدای یعقوب برائیم تا طریق های خویش را به ما تعلیم دهد و به راه های وی سلوک نمائیم زیرا که شریعت از صهیون و کلام خداوند از اورشلیم صادر خواهد شد و او امت ها را داوری خواهد نمود و قوم های بسیار را آگاه خواهد نمود و ایشان شمشیر

های خود را برای گاو آهن و نیزه های خویش را برای  
 اژه ها خواهند شکست و امتی بر امتی شمشیر خواهد کشید  
 و بار دیگر جنگ را خواهند آموخت. ای خاندان یعقوب  
 بیایید تا در نور خداوند سلوک نمائیم" (۱)

نور خداوند ترجمه کلمه بهاء الله است. و کوه خداوند، کوه کرمل، که اکنون هر  
 هفته صدها زائر و جهانگرد از اطراف و اکناف عالم به آنجا رهسپارند.  
 یکی از اصول دیانت حضرت بهاء الله صلح عمومی و نهی از جنگ است. اگر چه  
 انبیای گذشته از جنگ مذمت و از صلح تمجید کرده اند، مثلاً حضرت مسیح  
 فرمود:

"خوشا مجال صلح کنندگان زیرا ایشان پسران خدا  
 خوانده خواهند شد" (۲)  
 و در قرآن می فرماید: "ادخلو فی السلم کافه" (۳) "ولا تنازعوا" (۴)  
 ولی با وجود این توصیه ها برای صلح، نه تنها از جنگ صریحاً نهی نشده بلکه در  
 بسیاری از مواقع مومنین به جنگ و کشتار تشویق شده اند. برای مثال ایه ۲۱۲-۲۱۳  
 سوره بقره ذکر میشود: "کتب علیکم القتال و هو کره لکم و عصی ان  
 تکرهوا شیئ و هو خیر لکم" یعنی نوشته و واجب شد بر شما جنگیدن و  
 کشتار و آن بر شما دشوار آمد و بسا که چیزی بر شما دشوار آید او برای شما خیر  
 است.

تمام ایام گذشته، هم مسیحیان و هم مسلمانان، فرقه های مختلف از دین واحد  
 بوجود آوردند و به جنگ و کشتار پرداختند که هنوز ادامه دارد و پایان نخواهد  
 پذیرفت مگر پیروان این ادیان به شریعت جدید الهی مومن گردند و امر بدیع  
 خداوند یعنی دیانت بهائی را پیروی نمایند.

۳- قرآن ۲/۲۰۴ یعنی: همه در صلح داخل شود.

۲- انجیل متی ۹/۵

۱- تورات، اشعیا ۲/۵۱

۴- ایضاً ۸/۴۸ یعنی: نزاع نکنید

در بشارتی دیگر اشعیای نبی چنین نبوت می فرماید:

" و نهالی از تنه یسی بیرون آمده شاخه ای از ریشه هایش خواهد شکفت و روح خداوند بر او قرار خواهد گرفت ، یعنی روح حکمت و روح فهم و روح مشورت و قوت و روح معرفت و ترس از خداوند مسکینان را به عدالت داور خواهد کرد و به جهت مظلومان زمین به راستی حکم خواهد نمود و جهان را به عصای دهان خویش زده شیران را به نفخه لبهای خود خواهد کشت. (۱) و کمر بند کمرش عدالت خواهد بود و کمر بند میانش امانت ، و گرگ با بره سکونت خواهد داشت و پلنگ با بزغاله خواهد خوابید و گوساله و شیر و پرواری با هم و طفل کوچک آنها را خواهد راند و گاو با خرس خواهد چرید و بچه های آنها با هم خواهند خوابید و شیر مثل گاو گاه خواهد خورد و طفل شیرخوار بر سوراخ مار بازی خواهد کرد و طفل از شیر باز داشته شده دست خود را بر خانه افعی خواهد گذاشت (۲) و در تمامی کوه مقدس من ضرر و فساد نخواهد کرد زیرا که جهان از معرفت خداوند پر خواهد بود مثل آبهایی که دریا را می پوشاند. (۳)

---

۱- "به عصای دهان و نفحه لبها" کنایه از اینست که بوسیله بیانات و آیات شریعت خود را پیشرفت میدهد نه با شمشیر و خشونت و قتال. چنانچه حضرت بهاءالله در مناجاتی میفرماید: "... به حرکت قلم امر مبرمت را نصرت فرمودی و اولیا را راه نمودی..."

۲- در این آیات زیستن حیوانات درنده و اهلی با هم اشاره است به مردمی است که قبل از ایمان دشمن یکدیگر بودند.

۳- تورات ، اشعیا ۱۱/۹-۱۰

و در اشعیا باب بیست و پنجم ظهور جدید و مظهر الهی را به آمدن خداوند تعبیر نموده می فرماید:

" در آن روز خواهند گفت: اینک این خدای ما است که منتظر او بوده ایم و ما را نجات خواهد داد. این خداوند است که منتظر او بوده ایم، پس از نجات او مسرور و شادمان خواهیم شد. زیرا که دست خداوند بر این کوه قرار خواهد گرفت" (۱)

و در باره این ایام و ظهور کلی الهی صریحاً در باب ۶۲، ۶۰، ۵۹، ۵۲، ۴۰، ۳۵، ۹، ۲ - نیز بشارت داده شده است. و نیز در باب ۱۲ دانیال نبی و کتاب یوئیل نبی بشارت داده اند و منظور از خدا مظهر الهی یعنی نماینده خداوند بر روی زمین است نه ذات باری تعالی که غیب منیع و لایدرک است.

عاموس نبی می فرماید:

" ای اسرائیل خویشتن را مهیا ساز تا با خدای خود ملاقات نمائی" (۲)

در کتاب ذکریای نبی باب اوّل و دوّم و ششم و هشتم و ملاکی باب ۳ نیز بشاراتی برای موعود جدید موجود است.

و اشعیای نبی می فرماید:

(( اینک تاریکی جهان را و ظلمت غلیظ طوائف را خواهد پوشانید، اما خداوند بر تو طلوع خواهد نمود و جلال وی (۳) بر تو ظاهر خواهد شد )) (۴)

حضرت زردشت نیز به دو ظهور اعظم به نام هوشیدر یعنی مرد دانا و سیوشانس به معنی سود رساننده عظیم به جهان که او را شاه بهرام ورجاوند گویند یعنی نور و روشنائی بشارت داده که به ظهورشان جهان تجدید شود و عدل عالم را احاطه کند و بغضا در بین بشر زائل گردد و جمیع بشر یک خاندان شوند. (۵)

۱- تورات، اشعیا ۹/۲۵ ۲- تورات، عاموس ۱۲/۴ ۳- تورات، اشعیا ۲/۶۰

۴- جلال خداوند ترجمه فارسی بهاءالله میباشد (۵) کتاب محبوب عالم ص ۱۱۴ ص ۱۱۸ نقل از اساتیر و گاتها

## بشارات انجیل جلیل

حضرت مسیح نیز علاوه بر بشارت بازگشت خود وعده ها و مژده ها داده است. از جمله می فرماید:

" بعد از این بسیار با شما نخواهم گفت زیرا که رئیس این جهان میآید " (۱)  
 و نیز می فرماید: "مرا گوسفندان دیگر است باید آنها را نیز بیاورم ، يك گله و يك شبان خواهند شد." ( ۲ )  
 و نیز می فرماید: " من به شما راست می گویم که رفتن من برای شما مفید است زیرا که اگر بروم تسلي دهنده نزد شما نخواهد آمد اما اگر بروم او را نزد شما می فرستم و چون او آید جهان را بر گناه و عدالت و داوری ملزم خواهد نمود. " (۳)  
 و نیز می فرماید:

" و بسیار چیزهاي دیگر نیز دارم به شما بگویم لکن الآن طاقت تحمل آنها را ندارید و لکن چون او یعنی روح راستی آید شما را به جمیع راستی هدایت خواهد کرد. زیرا که از خود تکلم نمی کند بلکه به آنچه شنیده است سخن خواهد گفت و از امور آینده به شما خبر خواهد داد ، او مرا جلال خواهد داد ، " (۴)  
 و در انجیل متی چنین بشارت داده است:

" اینک خانه شما برای شماویران گذارده می شود. زیرا به شما می گویم از این پس مرا نخواهید دید تا بگوئید مبارك است او که به نام خداوند می آید" (۵).

حضرت مسیح وعده بازگشت خود را بشارت داده و برای آن علامات را ذکر فرموده از جمله: "خورشید تاریک گردد و ماه نور خود را باز گیرد و ستارگان از آسمان فروریزند و قوای افلاک متزلزل خواهد گشت. آنگاه پسر انسان را بینند که با قوت و جلال عظیم بر ابرها میآید در آنوقت فرشتگان خود را از جهات اربعه از انتهای زمین تا به اقصای فلک فراهم آورد." (۶)

۱- انجیل یوحنا ۳۰ / ۱۴ ایضاً ۱۰ / ۱۷ و ۱۶ ۳- ایضاً ۷ / ۱۶ ۴- ایضاً ۱۶ / ۱۳ و ۱۲ ۵- انجیل متی ۲۳ / ۳۹

۶- انجیل مرقس ۱۳ / ۲۷-۲۵

شبيه اين علامت ها در قرآن هم براي قيامت ذکر شده مانند: " اذا الشمس كورت و اذا النجوم انكدرت " (۱) يعني آنگاه كه آفتاب در هم پيچيده شود و ستاره ها فرو ريزند. - از متشابهات و علامات ظهور و بازگشت مسيح مي باشد و تأويل آنها در كتاب مستطاب ايقان و كتاب بيان مشروحاً بيان شده است. و آيه شريفه قرآن در سوره بقره اشاره به همين بشارات انجيل مي باشد كه مي فرمايد: " هل ينظرون الا ان ياتيهم الله في ظلل من الغمام والملائكة و قضي الامر و الي الله ترجع الامور " (۲) يعني: آيا انتظار مي برند مگر آنكه آيد ايشان را خداوند در سايبانهائي از ابر با فرشتگان؟ و امر انجام يابد و كارها به خدا باز گرداننده شود. و علمای اعلام و فقها و مفسرين قرآن چون به معني اين آيه و مرجع آن توجه نداشتند ( ( ياتيهم الله )) كه به معني آمدن مظهر الهی است، آن را عذاب خدا ترجمه کرده اند و بعضی آمدن خدا در قيامت پنداشته اند.

در كشف الاسرار نوشته شده است: " يعني كه الله آيد و جوکي فرشتگان با وي " (۳) يعني گروهی فرشته با او هستند.

## پایان جنگها و امر صلح

حضرت مسیح با اینکه فرمود: "خوشا به حال صلح کنندگان زیرا ایشان پسران خدا خوانده خواهند شد" (۱) نیز فرمود: "گمان مبرید که آمده ام تا صلح را بر زمین بگذارم نیامده ام تا صلح را بگذارم بلکه شمشیر را" (۲)

و در اسلام نیز جنگ و قتال و جهاد یکی از اوامر و نصوص کتاب الهی بوده مانند: "و قاتلوا فی سبیل اللّٰه" (۳) و در جمیع ایام گذشته بین ادیان جنگ و قتال ادامه داشته و دارد.

اما در دیانت بهائی حضرت بهاءالله می فرماید: "۰۰۰ نزاع و جدال را نهی فرمود نهیاً عظیمیاً فی الكتاب هذا امرالله فی هذا الظهور الاعظم و عصمه من حکم المحو و زینته بطراز الاثبات انه هو العظیم الحکیم" (۴) مضمون: جنگ و خونریزی را نهی عظیم فرمود در کتاب. این فرمان خداوند است در این ظهور اعظم و حفظ کرد آنرا از محو و منسوخ شدن و زینت داد آنرا به زیور اثبات و پایداری. (۵) با این حکم جنگ و جدال از جمله جنگ مذهبی در دیانت بهائی نهی و منسوخ گردید.

حضرت بهاءالله همچنین میفرماید: "فساد و نزاع شأن سبّاع ارض است نه شأن انسان. شأن انسان لم یزل و لا یزال شفقت و عنایت بوده و خواهد بود" (۶)

۱- انجیل متی ۹/۵ ۲- ایضاً ۳۴/۱۰ ۳- قرآن ۲/۲۴۵ ۴- لوح عهدی ۵- این بیان حضرت بهاءالله آیه ۳۹ سوره رعد قرآن را گوشزد میسازد که میفرماید: یحوالله ما یشیا و یثبت و عنده امّ الكتاب. یعنی محو میسازد خداوند آنچه را که اراده کند و ثابت میدارد و نزد اوست مادر یا اصل کتابها. ۶- آثار قلم اعلی جلد ۷

در لوح بشارات حضرت بهاءالله می فرمایند:

" یا اهل ارض ، بشارت اوّل که از أمّ الكتاب در این ظهور اعظم به  
 جمیع اهل عالم عنایت شد محو حکم جهاد است از کتاب ، تعالی الکریم  
 ذوالفضل العظیم الذی به فتح باب الفضل علی من فی السموات  
 والارضین ، مضمون: خداوند کریم صاحب فضل عظیم ، با این حکم  
 باب فضل را بر اهل عالم گشود."

متأسفانه جنگ مذهبی ، مانند بیماری طاعون بر جامعه بشری مستولی گردیده است  
 و هنوز ادامه دارد.

برای رفع این بیماری حضرت بهاء الله در کتاب **بشارات** - بشارت دوم می فرمایند:

" اذن داده شد احزاب عالم با یکدیگر به روح و ریحان معاشرت  
 نمایند. عاشروا یا قوم مع الأدیان کلّها بالروح و الريحان کذالک اشرق  
 نیرالأذن و الاراده من افق سماء امرالله ربّ العالمین " مضمون: ای  
 قوم با جمیع ادیان به راحتی و شادمانی معاشرت کنید، آفتاب اراده الهی از آسمان  
 امر خداوند عالمیان اینچنین اشراق فرمود "

و در بشارت سیزدهم میفرمایند: " سبب حزن مشوید تا چه رسد به فساد و  
 نزاع. امید هست در ظلّ سدره عنایت الهی تربیت شوید و بما اراده الله  
 عامل گردید. همه اوراق یک شجرید و قطره های یک بحر."



برای وصول به صلح حضرت بهاء الله اهل عالم را اینگونه توصیه فرموده اند:

" لابد بر این است که مجمع بزرگی در ارض برپا شود و ملوک و سلاطین در آن مجمع مفاوضه در صلح اکبر نمایند و آن این است که دول عظیمه برای آسایش عالم به صلح محکم متشبث شوند و اگر ملکی بر ملکی برخیزد جمیع متفقاً بر منع قیام نمایند، در این صورت عالم محتاج مهمات حربیه و صفوف عسکریه نبوده و نیست الاعلی قدر یحفظون به ممالکهم و بلدانهم ، این است سبب آسایش دولت و رعیت و مملکت. " (۱)

به نظر بنده سازمان ملل یکی از مقدمات این موضوع است که در آینده قدرت عملی و اجرائی بیشتر پیدا خواهد کرد.

حضرت بهاء الله خطاب به ملوک (سران کشورها) فرموده اند:

" قَلِّلُوا فِي الْعَسَاكِرِ لِيَقْلَّ مَصَارِفُكُمْ وَ تَكُونَنَّ مِنَ الْمُسْتَرِيحِينَ وَ ان تَرْتَفَعُوا لِالْاِخْتِلَافِ بَيْنَكُمْ لَنْ تَحْتَا جِوَالِي كَثْرَةِ الْجِيُوشِ الْاَعْلَى قَدْرَ الَّذِي تَحْرُسُونَ بِهَا بِلْدَانَكُمْ وَ مَمَالِكَكُمْ اتَّقُوا اللَّهَ وَ لَا تَسْرِفُوا فِي شَيْءٍ وَ لَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُسْرِفِينَ وَ عَلِمْنَا بِانْكُمْ تَزِدَادُونَ مَصَارِفَكُمْ فِي كُلِّ يَوْمٍ وَ تَحْمِلُونَهَا عَلَى الرَّعِيَّةِ وَ هَذَا فَوْقَ طَاقَتِهِمْ وَ انْ هَذَا الظُّلْمَ عَظِيمًا " (۲)

به تقلیل لشکر و کاستن وسائل جنگ توصیه شده است • مضمون بیان اینست :

لشکریان خود را کم کنید تا مخارجتان کم شود تا به راحت زندگی کنید  
و اگر میانتان اختلافی پیدا شد نیازی به زیادی لشکر نیست ، مگر به اندازه ای که در  
شهرهای خود امنیت برقرار کنید • از خدا بترسید و اسراف نکنید • اطلاع یافتیم شما  
هر روز بر مخارج خود می افزائید و بر مردم تحمیل میکنید و این فوق توانائی آنان  
می باشد و ستمی بزرگ است •

## بشارات قرآن مجید

در شریعت اسلام نیز در قرآن کریم و اخبار و احادیث موثق و معتبر، بشارت به یوم الله و آمدن ربّ و ظهور قائم آل محمد یا مهدی موعود و بازگشت مسیح داده شده و مسلمانان نیز مانند سایر ادیان دیگر در انتظار آن یوم مبارکند که دنیای پر از ظلم و جور، پر از عدل و داد شود. مثلاً در سوره ابراهیم می فرماید: " **لَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا أَنْ أَخْرِجْ قَوْمَكَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَذَكِّرْهُمْ بِآيَاتِ اللَّهِ أَنْ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِّكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ** . " (۱) می فرماید: ما موسی را با آیاتمان فرستادیم تا مردم را از تاریکی جهل به نور ایمان درآورد و آنان را به روزهای خدا متذکر دارد. برای هر شکیبیا و شکرگزاری در آن روز آیات و نشانه هائی است. و نیز می فرماید: ( ) **و هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَهُمُ اللَّهُ فِي ظُلَلٍ مِنَ الْغَمَامِ وَ الْمَلَائِكَةُ وَ قُضِيَ الْأَمْرُ وَاللَّهُ يُرْجِعُ الْأُمُورَ** (۲) . یعنی: آیا انتظار می برند مگر اینکه خداوند و فرشتگان در سایه بانهای ابر ایشان را آید، و امر گذارده گردد و به خدا کارها برگردانیده شود. **هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا أَنْ تَأْتِيَهُمُ الْمَلَائِكَةُ أَوْ يَأْتِيَ رَبُّكَ أَوْ يَأْتِيَ بَعْضَ آيَاتِ رَبِّكَ** " (۳) . یعنی: آیا انتظار می برند مگر آنکه آید ایشان را ملائکه یا بیاید پروردگار تو یا بیاید بعضی از آیات پروردگارت. و در سوره مطفّفين در تائید آمدن پروردگار می فرماید: " **يَوْمَ يَقُومُ النَّاسُ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ** " (۴) یعنی: روزی که مردم بایستند برای (امر) پروردگار عالمیان و این آمدن ربّ، مقصود مظهر الهی و مربی عالم انسانی است نه ذات غیب منیع پروردگار که هرگز دیده نمیشود.

و در آیه " **لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ** " که در قرآن در سه سوره توبه ۳۴/۹ و فتح ۲۸/۴۸ و صف ۹/۶۱ تکرار شده است. و در حدیث پیامبر نقل شده که در باره بازگشت مسیح است و در متن ذکر شده است.

شاید لسان الغیب حافظ شیرازی نیز با توجه به این بشارات گفته است:

مژده ای دل که مسیحا نفسی می آید      که ز انفاس خوشش بوی کسی می آید  
از غم و درد مکن ناله و فریاد که دوش      زده ام فالی و فریاد رسی می آید

و نظامی در باره این انتظار و بشارات در مخزن الاسرارش (ص ۱۷) گفته است:

ای مدنی برقع و مگی نقاب (۱)	سایه نشین چند بود آفتاب
گرمهی از مهر تو موئی بیار	ورگلی از باغ تو بوئی بیار
منتظران را به لب آمد نفس	ای ز تو فریاد به فریاد رس
سوی عجم ران منشین در عرب	زرده (۲) روز اینک و شبیدیز (۳) شب
ملک بر آرای و جهان تازه کن	هر دو جهان را پر از آوازه کن
سگه تو زن تا امرا گم زنند	خطبه تو کن تا خطبا دم زنند
باز کش این مسند از آسودگان	غسل ده این منبر از آلودگان
خانه غولند پردازشان	در غله دانِ عدم اندازشان
ما همه جسمیم بیا جان تو باش	ما همه موریم سلیمان تو باش
پانصد و هفتاد بس ایام خواب	روز بلند است به مجلس شتاب
خیز و بفرمای سرافیل را	باد دمیدن دو سه قنديل را
مغز نظامی که خبر جوی تُست	زنده دل از غالیه بوی تُست

در بیت "پانصد و هفتاد بس ایام خواب ۰۰۰" شاید به قرآن و حدیثی که در باره آنست اشاره شده<sup>۱</sup> در سوره اعراف آمده " لِكُلِّ أُمَّةٍ أَجَلٌ فَإِذَا جَاءَ أَجْلُهُمْ لَا يَسْتَأْخِرُونَ سَاعَةً وَلَا يَسْتَقْدِرُونَ " (۴)

۱- اشاره به مهدی موعود است که از سلاله پیغمبر اسلام است ۲- زرده = اسب زرد رنگ (کنایه از روز)

۳- شبیدیز = اسب سیاه (کنایه از شب) ۴- قرآن ۳۳/۷ اعراف

یعنی: برای هر امتی مدتی مقرر است و هنگامی که اجل آنها رسید، ساعتی پس و پیش نخواهد شد.

پس از نزول این آیه، اصحاب از رسول خدا مدت و اجل امت اسلام را پرسیدند، پیامبر فرمود:

" **إِنْ صَلَّحْتَ أُمَّتِي يَوْمًا وَ انْ فَسَدَتْ نِصْفَ يَوْمٍ وَ الْيَوْمَ عِنْدَ رَبِّكَ الْفِ سَنَةٌ مِمَّا تَعْدُونَ** " (۱) یعنی اگر امت من نیکوکار بودند، مدتشان یک روز و اگر بدکار و فاسد شدند، نصف روز و یکروز در نزد خدا هزار سال است از آنچه شما می شمارید.

و در سوره های دیگر قرآن مانند سجده و اعراف و یونس نیز در این موضوع اشاره شده است. و در سوره حج نیز می فرماید:

" **إِنْ يَوْمًا عِنْدَ رَبِّكَ كَأَلْفِ سَنَةٍ مِمَّا تَعْدُونَ** " (۲) یک روز نزد پروردگارت هزار سال است از آنچه شما می شمارید و در سوره سجده نیز مدت امر خدا را که دین اوست به صراحت هزار سال معین فرموده است. " **يُدْبِرُ الْأَمْرَ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ ثُمَّ يَعْرُجُ إِلَيْهِ فِي يَوْمٍ كَانَ مِقْدَارُهُ أَلْفَ سَنَةٍ مِمَّا تَعْدُونَ** " (۳) یعنی: خداوند امر خود را (که شریعت خداست) از آسمان (آسمان مشیتش) بسوی زمین تدبیر می فرماید سپس عروج میکند بسوی او در مدت یک روز که مقدارش هزار سال است به شمارش شما.

خداوند به پاس نیکوکاران اسلام، مدت آن را یک روز تمام یعنی هزار سال تمديد نمود و توجه به بدکاران و اهل فساد و تباهی نفرمود. به قول ملک الشعراء بهار:

گرچه ز جور خلفا سوختیم ز آل علی معرفت آموختیم

۱-بشارات کتب مقدسه تالیف حسام نقبایی ص ۵۰ نقل از کتاب النجم الثاقب ص ۸۷ و الجواهر و البواقیت - ص ۶۵ سید

عبدالوهاب و کتاب فتوحات مکیه باب الخامس جلد ۱ ص ۱۰۹

۲-قرآن ۴۶/۲۲ الحج ۳-ایضاً ۴/۳۲ سجده

شیخ عطار نیز اشاره به روز خدا گفته است:

ولیکن روز دین سالی هزار است	بدان ترتیب عالم را مدار است
چو گردد شش هزار از سال آخر	شود قائم مقام خلق ظاهر
بود شش روز دور شش پیامبر	مرا تعلیم قرآن گشت یاور (۱)

در تفسیر جلالین که به وسیله دو عالم مشهور مصری جلال الدین محلی و جلال الدین سیوطی در قرن هشتم هجری نوشته شده و در سال ۱۹۹۳ در بیروت تجدید چاپ شده است در ذیل آیه ۴ سوره سجده در باره الف سنه نوشته است: "مدة الدنيا -- هي كما ورد سبعة الاف سنة و بعث رسول الله في الالف السادس و مدة امة تزید علي الالف سنة ولا تبلغ زیاده علیها خمس مائة سنة كما ذكره السيوطي في الكشف عن مجاوزة هذه الامة الالف و هذا احدا قوال تقد مت " یعنی: مدت دنیا بطوریکه روایت شده هفت هزار سال است و حضرت رسول اکرم در هزاره ششم مبعوث شد و مدت امتش از هزار سال به هزار و پانصد نمی رسد همانگونه که سیوطی (یکی از مفسرین مشهور است) در کتاب کشف خود، مدت امت را هزار سال ذکر نموده است.

اینکه مدت دنیا را هفت هزار سال گفته است، مقصود دنیای دین است نه خلقت عالم. چنانچه شیخ عطار نیز به آن اشاره نموده است و از آدم شروع شده و قبلاً ذکر شده است:

نخستین این ندا در داد آدم      بگسترده او شریعت را به عالم

حضرت عبدالبهاء در مکاتیب (۲) در باره خلقت روحانی آدم فرموده اند:

"اما قضیه ابوالبشر حضرت آدم که در کتب مقدسه مذکور، تأویل دارد و تفسیر خواهد، مقصد از ایجاد خلقت روحانی است و وجود

رحمانی و الا اگر اندک ملاحظه ای شود اطفال نیز ادراک کنند که این کون نامتناهی جهان هستی این وجود بی پایان این دستگاه عظیم این کارخانه قدرت قدیم شش هزار ساله نیست بسیار پیش از این است" (۱)

در کتب زردشتیان نیز بشارت به آمدن سیوشانس و هوشیدر صریحاً اشاره شده است و در برابر این بشارت کتب مقدسه حضرت بهاء الله فرموده اند:

"میقات اُمم منقضی شد. وعده های الهی که در کتب مقدسه مذکور است جمیع ظاهر گشت" (۲)

## تأمل و تفکر در چند آیه قرآن مجید برای اهل تحقیق

شواهد و آیاتی در کتب مقدّسه وجود دارد که برای شخص محقق بی غرض و منصف و مومن به کتاب آسمانی بهترین راهنماست که می تواند به وسیله آن آیات ، مدعی صادق را از کاذب تشخیص دهد .

۱- ادعای پیامبر و اظهار ماموریت خود و آوردن تعالیم و آیاتی حیاتبخش که نسبتش را به خدا می دهد .

۲- تائید آن به وسیله خداوند با پیشرفت آن و اقبال گروهی از مردم با همه دشمنی ها و مخالفت ها .

در تورات می فرماید: " و اما نبیئی که جسارت نموده به اسم من سخن گوید که به گفتنش امر نفرمودم یا به اسم خدایان غیر سخن گوید ، آن نی البته کشته شود " (۱) - یعنی پیشرفت نخواهد کرد ولو چون حضرت مسیح جسماً کشته شود . مضمون این آیه در قرآن کریم تکرار و تائید شده می فرماید:

" ولو نقول علينا بعض الأقاویل لاخذنا منه بالیمن ثم لقطعنا منه الوتین فما منکم من أحدٍ عنه حاجزین " (۲) در باره پیامبر می فرماید اگر سخنانی به دروغ به ما نسبت دهد به دست راست قدرت خود او را اخذ و رگ حیاتش را قطع خواهیم کرد و احدی از شما نمی تواند مانع گردد . " و انه لئنذ کرة للمتقین " و آن پندیست برای پرهیزکاران .

حضرت مسیح نیز در انجیل جلیل می فرماید:

" هر نهالی که پدر آسمانی من نکاشته باشد کنده شود . " (۳)



شریعت الهی را به نهالی تشبیه نموده که بوسیله خداوند کاشته می شود و به تدریج رشد و توسعه میابد و اگر اراده الهی در آن نباشد آن برکنده شود. یعنی نه کسی آنرا می پذیرد و نه دوام و توسعه یابد. شیهه این تشبیه در قرآن کریم با کلمه شجره بکار رفته، می فرماید: " أَلَمْ تَرَ كَيْفَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ

اصْلِهَا ثَابِتٍ وَفُرْعَاهَا فِي السَّمَاءِ ۳۰

تَوَّء تِي ا كَلَّهَا كُل حِين ۰۰۰ و مثل کلمه خبیثه کَشَجَرَةٍ خَبِيثَةٍ اجْتُثَّتْ مِنْ فَوْقِ الْاَرْضِ مَالَهَا مِنْ قَرَارٍ . " (۱) یعنی: آیا نمی بینی که خداوند چگونه مثل زد، کلمه پاکیزه چون درخت پاکیزه ایست که ریشه آن ثابت است و شاخه هایش در آسمان، میوه هایش در هر زمان به اذن پروردگار داده می شود. (شجره شریعت است و میوه آن آیات حیات بخش آن است که در هر زمان آماده است) و مثل کلمه پلید چون درخت پلیدیست که از روی زمین ریشه کن شده و برای آن قرار و دوامی نیست. (و میوه آن جز قتل و مردم آزاری و فساد نیست).

در انجیل یوحنا حضرت مسیح اینگونه خود را معرفی و ماموریتش را چنین اعلان می کند: " من نور عالم هستم، کسی که مرا متابعت کند در ظلمت سالک نشود بلکه نور حیات را یابد. " (۲) آنگاه فریسیان بدو گفتند: تو بر خود شهادت می دهی پس شهادت تو راست نیست، عیسی در جواب ایشان گفت: هر چند من بر خود شهادت می دهم شهادت من راست است، از آن رو که تنها نیستم بلکه من و پدری که مرا فرستاد، و نیز در شریعت شما مکتوب است که شهادت دو کس حق است، من بر خود شهادت می دهم و پدری که مرا فرستاد نیز برای من شهادت می دهد. " (۳)

نظیر این استدلال را حضرت رسول اکرم در قرآن کریم چنین ذکر فرموده است:

" يَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَسْتَ مُرْسَلًا قُلْ كَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ " (۴) یعنی: کفار می گویند تو فرستاده خدا نیستی، در پاسخ آنان

خداوند -

می فرماید به آنان بگو: شهادت خدا بین من و شما کافی است و کسی که دانش کتاب نزدش باشد، یعنی بشارت هر ظهوری در کتاب قبل ذکر شده، خوانندگان کتاب اگر تعصب و غرض نداشته باشند می توانند مورد توجه قرار دهند.

و در سوره اسرا این مضمون چنین تاکید شده است: " **قُلْ كَفِي بِاللّٰهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَ بَيْنَكُمْ اِنَّهٗ كَانَ بَعْبَادَهٗ خَبِيْرًا بَصِيْرًا** " (۱) یعنی، شهادت خداوند بین من و شما کافی است. او نسبت به بندگانش آگاه و بیناست.

مولوی در این باره فرموده:

گر دو صد ابله ترا تهمت نهد      حق برای تو گواهی می دهد (۲)

و از نظر اهمیت موضوع که خداوند همواره بر امور ناظر و آگاه است. این مطلب در سوره انعام تکرار شده و می فرماید: " **قُلْ اَيُّ شَيْءٍ اَكْبَرُ شَهَادَةً قُلْ اللّٰهُ شَهِيدٌ بَيْنِي وَ بَيْنَكُمْ وَ اُوْحِيَ اِلَيّْ هٰذَا الْقُرْآنُ لِاَنْذِرْكُمْ بِهِ** " (۳) یعنی: بگو چه چیزی بزرگتر از گواهی خداست؟ بگو: خداوند گواه است بین من و شما و این قرآن را وحی فرستاد تا به وسیله آن شما را بیم دهم. و دلیل گواهی و رضایت این است که خداوند در همه حال او را حفظ و یاری نمود و امرش انتشار یافت و دشمنان مغلوب گشتند.

این کیفیت شهادت و رضایت و تائید الهی را در دیانت بهائی می توان مشاهده کرد که با همه مخالفت های شدید دشمنان، به پیشرفت امر خود توفیق یافتند، با این تفاوت که در دیانت اسلام نیروی شمشیر و آیه سیف بیاری پیامبر اضافه شد که موفقیتی یافت چنانچه در مکه سیزده سال با ملایمت و مسالمت کاری از پیش نبرد. حتی دشمنان برای کشتنش مصمم گردیدند و بالاچاره مهاجرت به مدینه فرمود. اما دیانت بهائی حکم سیف را منسوخ نمود و بجای آن نیروی شفقت و بیان را مقرر و معین نمود. و با همین قدرت لسان بر دشمنان غالب گردید و امر جهانی خود را در سراسر عالم وسعت بخشیده و ادامه دارد.

وجه مشترک دیگر انبیا این است که حضرت مسیح فرمود:

" نبیّی بی حرمت نباشد مگر در وطن و خانه خویش " (۱) و در انجیل یوحنا به تاکید فرمود: " عیسی شهادت داد که هیچ نبیّی را در وطن خود حرمت نیست " (۲)

رفتار مردم مکه با پیامبر اسلام و رفتار مردم شیراز و ایران با حضرت باب و رفتار مردم ایران با حضرت بهاء الله مصداق آنست.

از آیات دیگر قرآن که برای محقق بی غرض، راهنمای خویست که دین حق را بشناسد در سوره شوری نازل و این آیه و این سوره در مکه نازل گردیده هنگامیکه تعداد مسلمانان اندک و از فقرای قوم بودند: " **وَالَّذِينَ يَحَابُونَ فِي اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مَا اسْتَجِيبَ لَهُ حُجَّتَهُمْ دَاخِضَةٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَعَلَيْهِمْ غَضَبٌ وَلَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ** " (۳) یعنی: آنانکه خصومت و محاجّه می کنند در امر و شریعت خدا بعد از آنکه اجابت کرده شد یعنی عده ای گرویدند حجت ایشان باطل است و بر ایشان غضب و عذابی شدید است و اکنون ملیون ها نفوس از هر نژاد و ملت از هر طبقه و مقام در سراسر جهان بدون نیروی شمشیر با کمال میل به دیانت بهائی گرویده اند. محاجه و دشمنی مخالفین طبق این آیه باطل است.

در سوره رعد آیات و شریعت الهی به باران تشبیه شده که از آسمان رحمت الهی نازل می گردد و سیلی ایجاد می کند. آنگاه می فرماید:

" **كَذَلِكَ يَضْرِبُ اللَّهُ الْحَقَّ وَالْبَاطِلَ فَأَمَّا الزَّبَدُ فَيَذَّهَبُ جُفَاءً وَأَمَّا مَا يَنْفَعُ النَّاسَ فَيَمْكُثُ فِي الْأَرْضِ كَذَلِكَ يَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ** " (۴) - یعنی: همچنین خداوند مثل می زند، حق و باطل را، اما - کف - باطل است و از بین می رود و آنچه برای مردم سودمند باشد در زمین درنگ می کند. اینگونه خداوند مثلها را ذکر می کند.

این مضمون در سوره الاسرا اینگونه بیان شده است: " **قُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا** " (۵)

بگو حق آمد و باطل ناچیز و بی ارزش گردید، بدرستی که باطل از بین رونده و نابود شدنی است، و نیز طبق آیه شریفه " **ان رَبِّكَ هُوَ اعْلَمُ مَنْ يَضِلُّ عَنِ سَبِيلِهِ وَ هُوَ اعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ** " (۱) - که خطاب به پیامبر می فرماید: پروردگار تو بهتر میداند که چه کسی از راه او گمراه می باشد و نیز بهتر از همه، راه یافتگان را می داند، یعنی مردم نباید حکم بر گمراهی و هدایت نفوس کنند، بلکه ناظر به اعمال و اخلاق افراد باشند، زیرا رفتار اشخاص نشانه ایمان است نه ادعای صِرف، و ایمان حالتی است در قلب و اندیشه پنهان و درستی آن را خدا می داند.

و نیز اساس و هدف از دین اخلاق نیک است، چنانکه رسول اکرم فرمود: " **بُعِثْتُ لَا تَمِّمَ مَكَارِمَ الْاِخْلَاقِ** ". یعنی، هدف از رسالت و برانگیخته شدن من آنست که اخلاق های نیک را در مردم ایجاد کنم، و همه عبادات و رسوم مذهبی برای تکامل اخلاق است و اگر کسی عاری از اخلاق انسانی باشد، عبادات او ولو اینکه شب و روز ترک نشود جوی نیرزد، مولوی علیه الرحمه نیکو فرموده است:

بچه بیرون آر از بیضه نماز سر مزن چون مرغ بی تعظیم و ساز (۲)

از نماز باید نتیجه معنوی و اخلاقی گرفت نه چون مرغ بدون شرایط نماز سر بر زمین زد.

ثمره هر شریعتی، خلق انسان های جدیدی است که آراسته به صفات عالی اخلاقی باشند و در تعالیم حضرت بهاء الله مسائل اخلاقی بسیار توصیه و تأکید شده و بهائیان در هر کشور ساکن بوده اند دولت و مردم منصف آن کشور، بر فضائل اخلاقی آنان شهادت داده اند، اما مخالفان چون نتوانسته اند این کیفیت را انکار کنند.

بعضی گفته اند تظاهر به اخلاق نیک می کنند، این دیگر قضاوتش با خدا است زیرا که او داناتر به حقایق امور و خفایای قلوب است.